



Research Paper

Received:  
16 Januray 2023  
Revised:  
1 Januray 2024  
Accepted:  
14 Januray 2024  
Published:  
14 Januray 2024  
P.P: 123-149

ISSN: 2821-0247  
E-ISSN: 2783-4743



## Explaining the goals of America in the 2022 war in Ukraine

Rahbar Taleihur<sup>1</sup> | Rostam Bahrami<sup>2</sup>

DOR: 20.1001.1.28210247.1402.3.2.5.4

### Abstract

Russia's war with Ukraine has been one of the most important developments in the international system in recent decades. Although the attention of observers and analysts of international relations has been focused on the goals of Russia in this war, the goals of the United States of America in this war should not be neglected, and considering that the United States of America has tried to maintain its hegemonic position after the collapse of the Soviet Union. To confront other countries in different regions of the world, addressing the goals of that country in the Ukraine war can be important. Therefore, the main purpose of this article is to address the US goals in the Ukraine war, and the research question can be expressed in this way: what goals does the US pursue in the Ukraine war? In response to the research question, a hypothesis is put forward that maintaining the geopolitical balance in Europe, weakening Russia and securing the economic interests of military-industrial complexes could be one of the US goals in the Ukraine war. The research findings show that the Ukraine war, despite the problems it has created for that country and the international community, has been effective in meeting the US goals of this war, which is to weaken Russia. This research is of descriptive-analytical type and library resources and internet scanning have been used

**Keywords:** USA, Ukraine war, Russia, geopolitical balance,, containment.

1. Corresponding author: Associate Professor, Department of International Relations, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran. [taleihur10@gmail.com](mailto:taleihur10@gmail.com)
2. Master's student in International Relations, Khwarazmi University, Tehran, Iran.

**Cite this Paper:** Taleihur, R & Bahrami, R. (2023). Explaining the goals of America in the 2022 war in Ukraine. *American strategic studies*, 3(10), 123–149.

**Publisher:** Imam Hossein University "Authors Retain The Copyright"

This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License(CCBY 4.0)





## تبیین اهداف آمریکا در جنگ ۲۰۲۲ اوکراین

رهبر طالعی حور<sup>۱</sup> | رستم بهرامی<sup>۲</sup>

DOR: 20.1001.1.28210247.1402.3.2.5.4

۱۰

سال سوم  
تابستان ۱۴۰۲

### مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۰/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۱/۰۸

صص: ۱۴۶-۱۲۱

شابا جایی: ۰۲۴۷-۲۸۲۱  
الکترونیکی: ۴۷۴۳-۲۷۸۳



### چکیده

جنگ روسیه با اوکراین یکی از مهم‌ترین تحولات نظام بین‌الملل در دهه‌های اخیر بوده است. اگرچه توجه ناظران و تحلیل‌گران روابط بین‌الملل متوجه اهداف روسیه در این جنگ بوده اما نباید از اهداف ایالات متحده آمریکا از این جنگ غافل شد و با توجه به اینکه ایالات متحده آمریکا بعد از فروپاشی شوروی تلاش کرده برای حفظ موقعیت هژمونی خود از قدرت گرفتن سایر کشورها در مناطق مختلف جهان جلوگیری نماید، پرداختن به اهداف آن کشور در جنگ اوکراین می‌تواند دارای اهمیت باشد. بنابراین هدف اصلی در این مقاله پرداختن به اهداف آمریکا در جنگ اوکراین است و سؤال پژوهش را هم می‌توان به این صورت بیان کرد که آمریکا از جنگ اوکراین چه اهدافی را دنبال می‌کند؟ در پاسخ به سؤال تحقیق فرضیه‌ای به این صورت طرح می‌گردد که حفظ تعادل و توازن ژئوپلیتیک در اروپا، تضعیف روسیه و تامین منافع اقتصادی مجتمع‌های نظامی - صنعتی می‌تواند از اهداف آمریکا در جنگ اوکراین باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد جنگ اوکراین با وجود مشکلاتی که برای آن کشور و جامعه جهانی به وجود آورده، در تامین اهداف آمریکا از این جنگ که حفظ تعادل و توازن ژئوپلیتیک در اروپا، تضعیف روسیه و تامین منافع اقتصادی مجتمع‌های نظامی - صنعتی است، تأثیرگذار بوده است. این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی بوده و از منابع کتابخانه‌ای و پویس اینترنتی برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است.

کلیدواژه‌ها: ایالات متحده آمریکا، جنگ اوکراین، روسیه، رئالیسم تهاجمی، توازن ژئوپلیتیک، مهار.

۱. نویسنده مسئول: دانشیار، گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

taleihur10@gmail.com

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

استناد: طالعی حور، رهبر؛ بهرامی، رستم؛ تبیین اهداف آمریکا در جنگ ۲۰۲۲ اوکراین؛ مطالعات راهبردی آمریکا، ۱۰(۳)، ۱۴۹-۱۲۳.

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین(ع) «حق چاپ برای نویسندگان محفوظ است».

این مجله تحت مجوز (Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0 منتشر می‌شود.



## مقدمه

ایالات متحده آمریکا بعد از فروپاشی شوروی تلاش کرده برای حفظ موقعیت هژمونی خود از قدرت گرفتن سایر کشورها در مناطق مختلف جهان جلوگیری نماید. یکی از مهم ترین مناطقی که مورد توجه آمریکا واقع شده، اروپای شرقی است که به دلیل نزدیکی جغرافیایی به روسیه به عنوان رقیب دیرینه آن کشور، در کانون توجه آمریکا قرار گرفته است. آمریکا راهبرد تحت فشار قرار دادن روسیه در نزدیکی مرز خود را به عنوان راهی برای محدود کردن توان نظامی-اقتصادی آن کشور مدنظر داشته و تلاش برای نفوذ در ساختارهای اقتصادی، سیاسی و نظامی جمهوری های عضو شوروی سابق، چه در آسیای مرکزی و قفقاز و چه در اروپای شرقی، هدف بلندمدت آمریکا علیه روسیه بوده است.

یکی از مهم ترین کشورهای اروپای شرقی که در کانون رقابت ایالات متحده آمریکا و روسیه قرار گرفته، اوکراین است. اوکراین به دلیل موقعیت جغرافیایی خود، اهمیت زیادی برای بازیگران مهم جهانی دارد. روسیه از دست دادن اوکراین را تهدید جدی برای خود می داند و در مقابل، آمریکا گسترش ناتو به شرق اروپا و نفوذ در اوکراین را مهمترین عامل برای تضعیف روسیه تلقی می کند و از همان ابتدا تلاش کرده با حمایت از این کشور از افتادن آن به دام روسیه ممانعت نماید. آمریکا در بحران ۲۰۱۴ (۱۳۹۲) با حمایت از غرب گرایان اوکراینی سبب تنش هر چه بیشتر در این کشور شد و به نظر می آید تحریک آمریکا مبنی بر عضویت اوکراین در ناتو در شکل گیری جنگ اوکراین در سال ۲۰۲۲ بی تأثیر نبوده است.

بنابراین هدف اصلی در این مقاله پرداختن به اهداف آمریکا در جنگ اوکراین است و سؤال پژوهش را هم می توان به این صورت بیان کرد که آمریکا از جنگ اوکراین چه اهدافی را دنبال می کند؟ در پاسخ به سؤال تحقیق فرضیه ای به این صورت طرح می گردد که حفظ تعادل و توازن ژئوپلیتیک در اروپا، تضعیف اقتصاد روسیه و تامین منافع اقتصادی مجتمع های نظامی-صنعتی از اهداف آمریکا در جنگ اوکراین است.

سازماندهی پژوهش به گونه ای است که پس از پرداختن به پیشینه تحقیق و روش پژوهش، رئالیسم تهاجمی به عنوان چارچوب نظری مورد بحث قرار می گیرد. در بخش بعدی به ریشه های بحران و اهمیت اوکراین برای آمریکا اشاره شده و در بخش مهم پژوهش، اهداف آمریکا در جنگ ۲۰۲۲ اوکراین تبیین می گردد.

## پیشینه تحقیق

زمانی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل ریشه‌ها و ماهیت بحران اوکراین: تشدید تنش شبه جنگ سرد بین روسیه و غرب» به این نتیجه می‌رسد که اوضاع و احوال حاکم بر نظام بین‌المللی در دهه‌های آغازین قرن بیست و یکم با نیمه دوم قرن بیستم متفاوت است و تنش در روابط مسکو- واشنگتن بر سر بحران اوکراین به دنبال اثبات اینکه جنگ سرد جدیدی در حال شکل‌گیری است، نمی‌باشد.

صفری و وثوقی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «ژئوپلیتیک اوکراین و نقش آن در رقابت روسیه و ایالات متحده آمریکا» با بررسی تحولات سال ۲۰۱۴ به این نکته اشاره کرده‌اند که تفکر مکیندری و تاثیر آن بر نگرش سیاستمداران ایالات متحده آمریکا باعث شده است که اوراسیا و شرق اروپا همواره دارای اولویت اساسی در دستور کار سیاست خارجی باشد.

نونژاد و کریمی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «تقابل روسیه و آمریکا در اوکراین و تاثیر آن بر منافع ملی ایران» به این نتیجه رسیده‌اند که در عصر جهانی شدن، اوضاع منطقه‌ای و جهانی در هم تنیده شده است؛ لذا بحران در یک منطقه، منافع بازیگران در مناطق دیگر را تحت تاثیر قرار می‌دهد. بحران اوکراین ریشه در رقابت روسیه و آمریکا در این کشور دارد که در انقلاب‌های نارنجی، آبی و بحران ۲۰۱۴ به منصفه ظهور رسید و وقوع بحران باعث تقویت روابط مسکو- تهران در راستای تحقق منافع ملی ایران شد.

رستمی و زینلی بادی (۱۴۰۰) نیز در مقاله‌ای با عنوان «بررسی اهمیت استراتژیک اوکراین برای اروپا و آمریکا» تلاش کرده‌اند اهمیت اوکراین را برای دو قدرت ایالات متحده آمریکا و اروپا مورد بررسی قرار دهند. نویسندگان در این مقاله اشاره می‌کنند که به طور کلی غرب از بعد امنیتی تلاش دارد تا این کشور پیرامونی روسیه را زیر چتر حمایتی خود قرار دهد، در حالی که روسیه به دنبال الحاق مجدد آن است و از همین رو، غرب با توجه به منافع ژئوراهبردی خود، از اوکراین در برابر روسیه حمایت می‌کند.

روبل<sup>۱</sup> و حسین<sup>۱</sup> (۲۰۲۲) در مقاله‌ای با عنوان «تجزیه و تحلیل علل جنگ روسیه و اوکراین با سه تصویر والتز (فردی، سیاست داخلی، سیستم بین‌المللی)» اشاره می‌کنند که در سطح فردی، پوتین

1 . Rubel

گرايش اوكرين به ناتو را نمي‌پذيرفت. در سطح داخلي، روسيه انتظار اشغال سريع كي‌يف را داشت و اينكه كشورهاي ديگر از اوكرين حمايت نمي‌كنند و در سطح بين‌المللي گرچه تلاش‌هايي ديپلماتيك در سطوح بالا براي جلوگيري از جنگ انجام شد و پس از جنگ تحريم‌هايي شديد بر روسيه اعمال شد اما از نظر نظامي، طرف سومي به طور مستقيم وارد جنگ نشد چرا كه ممكن بود اين جنگ شكلي جهاني به خود بگيرد و به اروپا و كل جهان تسري پيدا كند.

كومار شاهي<sup>۲</sup> (۲۰۲۲)، در مقاله‌اي با عنوان «جنگ در اوكرين: تحليلي ژئوپوليتيكي» اشاره مي‌كند حمله روسيه به اوكرين نشان دهنده اولين جنگ بزرگ در اروپا پس از جنگ جهاني دوم است. علت اصلي اين بحران تضاد بين جاه‌طلبي‌هاي ژئوپوليتيك ناتو و روسيه است. بنابر اين با اين جنگ رقابت‌هاي ژئوپوليتيكي بين غرب و روسيه تشديد شده است. پيامدهاي ژئوپوليتيكي جنگ نيز به اين بستگي دارد كه پيروزي يا باخت چقدر تعيين‌كننده است. اما يك چيز روشن است؛ اين جنگ پيامدهاي جدي نه تنها براي اوكرين و روسيه بلكه براي جهان خواهد داشت. حتي اگر آتش‌بس و حل و فصل صلح وجود داشته باشد، براي مثال نقشه سياسي اروپا ديگر هرگز مثل سابق نخواهد بود. همچنين پتانسيل تشديد درگيري با ناتو و اتحاديه اروپا، از جمله تهديد جنگ هسته‌اي (هرچند اين شانس كم باشد) وجود دارد.

بررسي پيشينه‌هاي موجود نشان مي‌دهد، فقر منابع در اين موضوع يكي از محدوديت‌هاي پژوهش بوده و عمده مسائل مطرح شده در اين زمينه، در خبرگزارى‌ها و سايت‌هاي اينترنتي بوده و مقاله علمي كه اهداف آمريكا را تبين نمايد، يافت نشد و اميد است اين مقاله بتواند خلاء پژوهشي موجود در اين زمينه را رفع نمايد.

## روش تحقيق

پژوهش حاضر از نوع کاربردي بوده و از نظر رويکرد توصيفي - تحليلي است. گردآوري داده‌ها با اتكا به مطالعات كتابخانه‌اي و پويش‌هاي اينترنتي انجام شده است. اين تحقيق ماهيتي

1 . Hossain  
2 . Kumar Shahi

کیفی داشته و اطلاعات با استفاده از استدلال و تحلیل عقلایی به صورت کیفی و تفسیری مورد تحلیل قرار گرفته است.

## چارچوب نظری

در سیاست و روابط بین‌الملل، فهم بهتر رفتار دولت‌ها و تبیین علمی رویدادها و پدیده‌های بین‌المللی نیازمند بهره‌گیری از نظریه‌هایی است که مفروضه‌های آن بیشترین هم‌خوانی را با واقعیت داشته باشد. در کلی‌ترین سطح، همه نظریه‌های واقع‌گرا، جهانی را به تصویر می‌کشند که در آن هیچ سازمان یا نهادی وجود ندارد که بتواند از دولت‌ها در برابر یکدیگر محافظت کند، و در آن دولت‌ها باید نگران این باشند که آیا یک متجاوز خطرناک ممکن است آن‌ها را در مقطعی در آینده تهدید کند یا خیر. این وضعیت، دولت‌ها - به ویژه قدرت‌های بزرگ - را مجبور می‌کند که نگران امنیت خود باشند و برای کسب قدرت با هم رقابت کنند (Walt, 2022).

به نظر می‌رسد بهترین نظریه رئالیستی که قابلیت تبیین‌کنندگی بالایی نسبت به دیگر نظریات را داشته، نظریه واقع‌گرایی تهاجمی به‌عنوان یک نظریه توصیفی - تجویزی است. جان مرشایمر یکی از سرشناس‌ترین واقع‌گرایان تهاجمی است که نظریه خود را در کتاب تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ در سال ۲۰۰۱ تدوین و ارائه کرده است. از نظر مرشایمر رئالیسم تهاجمی بر پنج مفروض استوار است: نظام بین‌الملل آنارشیک و اقتدارگرای است؛ قدرت‌های بزرگ ذاتاً دارای برخی توانمندی‌های نظامی هستند و بر این اساس می‌توانند به یکدیگر صدمه بزنند؛ دولت‌ها هرگز نمی‌توانند درباره نیت سایر دولت‌ها مطمئن باشند؛ بقا هدف اصلی قدرت‌های بزرگ است و قدرت‌های بزرگ بازیگرانی خردمند هستند (گریفیتس، ۱۳۹۳: ۶۱).

هنگامی که این پنج مفروض با یکدیگر پیوند می‌خورند، انگیزه‌هایی قوی برای رفتار و افکار تهاجم‌آمیز قدرت‌های بزرگ در قبال یکدیگر به وجود می‌آورند. این امر به ایجاد سه الگوی رفتاری منتج می‌شود: ترس، خودیاری و به حداکثر رساندن قدرت. قدرت‌های بزرگ از یکدیگر می‌ترسند، آن‌ها نسبت به یکدیگر بدگمان بوده و همواره از قریب‌الوقوع بودن جنگ نگرانند. دولت‌ها همچنین در نظام بین‌الملل در پی تضمین بقای خود هستند چون در سیاست بین‌الملل خدا با کسانی است که به فکر خود باشند و به خویش یاری رسانند. این اصرار و تأکید بر اصل

خودياري، دولت‌ها را از تشكيل اتحادها باز نمی‌دارد؛ اما اتحادها تنها پيوندهاي موقتي‌اند. دولت‌ها که از نيات غايي دولت‌هاي ديگر در هراسند و می‌دانند که در يک نظام خوديار عمل می‌کنند، خيلي زود در می‌يابند که بهترين شيوه برای تضمين بقايشان اين است که قدرتمندترين دولت اين نظام باشند چرا که قدرت کلید گنج بقاست. در نتيجه دولت‌ها توجه خاصی به نحوه توزيع قدرت در ميان خود دارند و کوشش بسياري به عمل می‌آورند تا سهم خود را از قدرت جهاني به حداکثر برسانند (مرشایمر، ۱۳۸۸: ۳۶). براساس اين نظريه، قدرت‌هاي بزرگ همواره در پي يافتن فرصت‌هايی برای افزايش قدرت خود نسبت به رقبایشان می‌باشند و رسيدن به قله قدرت هژمون را هدف نهايي می‌دانند. قدرت هژمون برای حفظ موقعيت خود و جلوگیری از برهم خوردن موازنه قوا توسط مهاجمين دو استراتژی اصلي پيش رو دارد: ايجاد موازنه قوا<sup>۱</sup> و احاله مسئوليت<sup>۲</sup>. در توضيح اين دو استراتژی بايد گفت کشورهای مورد تهديد به طور جدی خودشان را متعهد به مهار رقيب خطرناک می‌کنند. به عبارت ديگر آن‌ها تمايل دارند که بار مسئوليت بازدارندگی و يا مبارزه با مهاجم را در صورت نياز بر دوش کشند. اما با احاله مسئوليت، آن‌ها سعی می‌کنند تا قدرت‌هاي ديگري را وادار به کنترل و مهار قدرت مهاجم کنند در حالی که خود در حاشيه باقی می‌مانند. کشوري که اين استراتژی را به کار می‌برد کاملاً می‌داند که بايستی از افزايش سهم کشور مهاجم از قدرت جهاني جلوگیری شود اما به دنبال کشور ديگري می‌گردد که توسط آن مهاجم تهديد می‌شود تا اين وظيفه سنگين را به عهده وی قرار دهد (جعفری و دادپناه، ۱۳۹۵: ۱۶۲).

از دیدگاه مرشایمر، بحران اوکراين نشان می‌دهد که نظريه رئالیسم در قرن بیست و يک نیز برای تبیین رخدادهاي بين‌المللي قابليت و توانمندی‌هاي بسياري نسبت به ساير نظريه‌ها دارد و بی‌توجهی به آن باعث غافل‌گیری نخبگان می‌شود (2: Mearshiemer, 2014).

رقابت روسيه و آمريكا در بحران ۲۰۲۲ اوکراين را می‌توان در قالب نظريه رئالیسم تهاجمی تبیین کرد، روسيه تلاش می‌کند با توجه به گسترش ناتو به شرق اروپا موازنه قوا را در آنجا حفظ نماید و در طرف مقابل هم آمريكا با هدف پيشينه‌سازی قدرت خود تلاش دارد ناتو را به سمت

1. Balance of power  
2. Buck-Passing

شرق اروپا گسترش دهد که این مسئولیت را در حال حاضر به اوکراین احاله کرده و از آن کشور حمایت مالی و تسلیحاتی می‌نماید.

## ۱- ریشه‌های بحران اوکراین

از لحاظ راهبردی، اوکراین طی ۴ قرن گذشته، نقش حایل اروپا و روسیه را ایفا کرده و پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نیز مرز اتحادیه اروپا با روسیه بوده است. پس از استقلال اوکراین، این کشور سنگرگاه روسیه در برابر ناتو و همچنین دیوار دفاعی شرقی روسیه با اروپا شد (بهمن، ۱۳۹۴: ۵۶).

ناتو بلافاصله پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به بهانه‌های واهی اقدام به محاصره گام به گام و تدریجی روسیه از طریق ایجاد پایگاه‌های نظامی، سایت‌های موشکی و جذب اعضای جدید از میان کشورهای بلوک شرق، هم‌پیمانان قبلی مسکو در پیمان ورشو و جمهوری‌های شوروی سابق نموده است. لتونی، استونی و لیتوانی (جمهوری‌های بالتیک)، اولین جمهوری‌هایی بودند که به عضویت ناتو درآمدند و به دنبال آن پیشروی ناتو به سوی مرزهای فدراسیون روسیه همچنان ادامه یافت. رسانه‌های آمریکایی در مقالات خود مرتباً به خوانندگان تذکر می‌دادند که جمهوری‌های بالتیک زمانی مستقل بوده و در سال ۱۹۳۹ مورد هجوم اتحاد جماهیر شوروی قرار گرفته و منضم به آن شده و از آن زمان به بعد تحت اشغال بوده‌اند. در واقع تلاش می‌شد تا از این مسئله به عنوان موردی از توسعه‌طلبی شوروی بهره برداری به عمل آید. این در حالی است که سه کشور مذکور از سال ۱۷۲۱ میلادی تا وقوع انقلاب روسیه در اکتبر و در میانه جنگ جهانی دوم، بخشی از امپراطوری روسیه بوده‌اند (Blum, 12 May 2014:1-2).

از منظر روسیه گسترش ناتو به شرق، این کشور را در وضعیت آسیب‌پذیری قرار می‌دهد، چرا که گسترش ناتو و الحاق کشورهای اروپای شرقی و بالکان به آن، ساختار امنیتی روسیه را با مخاطره روبرو می‌سازد. از سوی دیگر آمریکا با توجه به برتری خود در زمینه‌های اقتصادی و نظامی، مایل است از فرصت تاریخی فروپاشی شوروی استفاده و از قدرت نظامی و اقتصادی در جهت تقویت جایگاه و هژمونی خود بهره‌برداری نماید. در این رابطه ناتو تنها نهادی است که قادر است به مداخلات آمریکا در اروپا و اروپای شرقی مشروعیت بخشد. آمریکا ناتو را به عنوان

اتحاديه‌هاي عملياتي و ابزارى سودمند و موثر براي اعمال سياست‌هاي مورد نظر خویش قلمداد می‌کند و در این راستا از آن نهایت بهره برداری را به عمل می‌آورد. بدون شک هیچ چیزی به اندازه تلاش واشنگتن در استقرار نیروهای نظامی ناتو در جوار مرزهای روسیه و کاهش فاصله ناتو با پایگاه تاریخی دریای سیاه این کشور در کریمه، نمی‌تواند روسیه را به عکس‌العمل شدید و نهایتاً اعزام نظامیان به مرزهای خود با اوکراین و حتی داخل بخشی از خاک این کشور ترغیب نماید (زمانی، ۱۳۹۲: ۹۰۲-۹۰۱).

روسیه قبل از آغاز حملات خود به اوکراین با استقرار بیش از صد هزار نیرو در امتداد مرز خود با اوکراین، خواستار امتیازات امنیتی بزرگ از ناتو بود. روسیه مدعی بود که رهبران ایالات متحده به وعده‌های خود در اوایل دهه ۱۹۹۰ مبنی بر عدم گسترش عضویت ناتو به شرق عمل نکرده‌اند. در مقابل، رهبران ایالات متحده و ناتو بیان داشتند که چنین تعهداتی داده نشده است و از بحث در مورد محدودیت‌ها در مورد گسترش آینده ناتو امتناع می‌کردند. رهبران روسیه سال‌ها نسبت به گسترش ناتو به سمت شرق محتاط بودند. به ویژه زمانی که این اتحاد، درهای خود را به روی کشورهای سابق پیمان ورشو و جمهوری‌های شوروی سابق در اواخر دهه ۱۹۹۰ گشود. ترس آن‌ها در اواخر دهه ۲۰۰۰ افزایش یافت زیرا ائتلاف قصد خود را برای پذیرش گرجستان و اوکراین در نقطه‌ای نامشخص در آینده اعلام کرد (بیژن، ۱۴۰۰).

روند نفوذ نظامی روسیه در اوکراین، از اوایل سال ۲۰۲۱ آغاز شده بود و علی‌رغم افزایش نیروها، مقامات روسیه از اواسط نوامبر ۲۰۲۱ تا ۲۰ فوریه ۲۰۲۲ مکرراً طرح روسیه برای حمله به اوکراین را رد می‌کردند. سرانجام در ۲۱ فوریه ۲۰۲۲ (۲ اسفند ۱۴۰۰)، روسیه به‌طور رسمی جمهوری خلق دونتسک و جمهوری خلق لوهانسک، دو کشور خودخوانده در منطقه دونباس در شرق اوکراین را به رسمیت شناخت و نیروهای خود را به این مناطق اعزام کرد. روز بعد، شورای فدراسیون روسیه به اتفاق آرا به پوتین مجوز استفاده از نیروی نظامی در خارج از مرزهای روسیه را صادر کرد و روز ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ روسیه تهاجم گسترده‌ای را به اوکراین آغاز کرد. این تهاجم بزرگ‌ترین حمله نظامی متعارف به خاک اروپا از زمان جنگ جهانی دوم است که آمریکا و غرب را در برابر روسیه قرار داد (مشرق نیوز، ۱۴۰۱/۰۸/۲۵).

## ۲- اهمیت اوکراین برای آمریکا

کشور اوکراین با توجه به موقعیت خاص ژئوپلیتیکی که دارد در سیاست خارجی آمریکا از جایگاه مهمی برخوردار است. ایالات متحده آمریکا با هدف برقراری هژمونی خود در صدد غربی‌سازی اوکراین و مقابله با نفوذ سنتی روسیه در این کشور است (نونزاد و کریمی، ۱۳۹۷: ۱۴۷). اوکراین برای ایالات متحده آمریکا بیشتر به لحاظ سیاسی و در عرصه رقابت جهانی با سایر قدرت‌ها دارای اهمیت است. لذا آمریکا استراتژی تحت فشار قرار دادن روسیه در نزدیکی مرزهای آن را به عنوان راهی جهت محدود کردن توان نظامی - اقتصادی روس در پیش گرفته است. تلاش برای نفوذ در ساختارهای اقتصادی، سیاسی و نظامی جمهوری‌های عضو شوروی سابق چه در آسیای مرکزی و قفقاز و چه در اروپای شرقی، هدف بلندمدت و پرمناقشه راهبردی آمریکا علیه روسیه بوده است.

اهمیت ژئوپلیتیکی اوکراین به عنوان دومین کشور بزرگ اروپایی واقع در سواحل شرقی و غربی دریای سیاه تا آن حد است که برژینسکی از آن کشور به عنوان «قطار سیاست منطقه‌ای پس از گسترش» اتحادیه اروپا یاد می‌کند. برژینسکی معتقد بود بدون اوکراین، روسیه دیگر یک امپراتوری اوراسیایی نیست؛ روسیه بدون اوکراین باز هم سعی خواهد کرد تا برای رسیدن به جایگاه امپراتوری تلاش کند؛ اما بیشتر یک امپراتور آسیایی خواهد شد و در تضاد و برخوردی از آسیای مرکزی درگیر خواهد شد (برژینسکی، ۱۳۸۵: ۴۹). توجه به خطر روزافزون روسیه در کشورهای پیرامون و تشکیل شده از شوروی سابق، کشورهای غربی و آمریکا را ترغیب نمود تا از جداسازی این کشورها از روسیه استقبال و حمایت نمایند که پیامد آن تشکیل اتحادیه گوام<sup>۱</sup> در سال ۱۹۹۷ با شرکت گرجستان، اوکراین، جمهوری آذربایجان و مولداوی بود (کتاب سبز روسیه، ۱۳۸۸: ۳۱۶).

در یک تقسیم بندی کلی می‌توان منافع آمریکا در اوکراین را در سه سطح اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و سیاسی - امنیتی بررسی کرد.

**الف) علائق اقتصادی - تجاری:** اوکراین از زمان استقلال، یکی از دریافت کنندگان اصلی کمک‌های خارجی و نظامی ایالات متحده در اروپا و اوراسیا بوده است. در دهه ۱۹۹۰ (سال مالی

1 . GUAM

۱۹۹۲ تا سال مالی ۲۰۰۰)، دولت ایالات متحده تقریباً ۲,۶ میلیارد دلار به اوکراين (به طور متوسط ۲۸۷ میلیون دلار در سال) کمک کرد. در دهه ۲۰۰۰ (سال مالی ۲۰۰۱ تا سال مالی ۲۰۰۹)، کل کمک به اوکراين تقریباً ۱,۸ میلیارد دلار (به طور متوسط ۱۹۹ میلیون دلار در سال) بود. در پنج سال قبل از حمله روسیه به اوکراين در سال ۲۰۱۴ (سال مالی ۲۰۱۰ تا سال مالی ۲۰۱۴)، کمک‌های دوجانبه وزارت امور خارجه و آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده (USAID) به طور متوسط حدود ۱۰۵ میلیون دلار در سال بود (Welt, 2021: 32). دولت اوکراين در سال ۲۰۱۴ حدود ۹۵,۲۷۱ میلیون دلار از کنگره برای کمک به اوکراين تقاضا کرد. از این مقدار ۵۳,۹۳۷ میلیون دلار برای حساب صندوق حمایت اقتصادی، ۴,۲ میلیون دلار برای تامین مخارج نظامی، ۲۸,۷۰۴ میلیون دلار برای برنامه‌های بهداشت جهانی وزارت خارجه، ۱,۹ میلیون دلار برای بودجه برنامه‌های آموزشی نظامی بین‌الملل، ۴,۱ میلیون دلار برای برنامه‌های اجرای قانون و کنترل بین‌المللی مواد مخدر و ۲,۴۱ میلیون دلار نیز برای برنامه‌های منع گسترش، مبارزه با تروریسم و سایر برنامه‌ها اختصاص داشت (Woehrel, 2014:12). بنابراین تضعیف وابستگی اوکراين به روسیه از راه کمک‌های اقتصادی و تسهیلات تجاری، تسلط و کنترل بر مسیر انتقال انرژی به اروپا، بهبود فرصت‌های تجاری برای شرکت‌ها و کمپانی‌های آمریکا، حمایت از برنامه‌های عمرانی که زمینه حضور غرب و آمریکا را در این منطقه بیشتر کند، به دست آوردن سهمی از بازار مصرف این کشور و تلاش برای هم‌گرایی اقتصادی با غرب از دلایل اصلی اقتصادی توجه آمریکا به کشور اوکراين می‌باشد (نقدي نژاد و سوري، ۱۳۸۷: ۱۶۷؛ دانش‌نیا و مارايي، ۱۳۹۵: ۱۳۷).

**ب) علائق اجتماعی-فرهنگی:** تلاش برای نزدیک کردن این کشور به فرهنگ غربی از راه گسترش همکاری‌های اجتماعی-فرهنگی و آموزشی، تلاش برای ترویج ارزش‌های غربی و پیاده کردن مدل‌های حکومت غربی (شاهد این مدعا تلاش‌های آمریکا در کمک به انقلاب‌های رنگی، نارنجی و آبی در این کشور است)، تلاش برای ارتباط با نخبگان جدید این کشور و تقویت آنان در مقابل نخبگان قدیمی که بیشتر متأثر از تربیت اتحاد شوروی هستند و به روسیه گرایش بیشتر نشان می‌دهند، تلاش برای تقویت حضور فرهنگی از راه گسترش فعالیت سازمان‌های غیر دولتی (نقدي نژاد و سوري، ۱۳۸۷: ۱۶۸؛ دانش‌نیا و مارايي، ۱۳۹۵: ۱۳۸).

ج) **علائق سیاسی - امنیتی:** تضعیف روسیه از راه تقویت استقلال کشورهای پسا شوروی به ویژه اوکراین، تأمین امنیت این کشور به عنوان مهم ترین مکان انتقال انرژی به اروپا، حضور نظامی و افزایش همکاری های نظامی در چارچوب طرح هایی چون طرح مشارکت برای صلح و شکل دادن به ترتیبات امنیتی منطقه و گسترش ناتو به شرق، تلاش برای هضم بیشتر این کشور در ساختارهای غربی و آمریکایی همچون یورو- آتلانتیک و ناتو، ادامه حمایت های اقتصادی، سیاسی و نظامی خود از کشورهای طرفدار غرب، حمایت سیاسی و مالی از نهادها و سازمان های غیردولتی حامی هدف های آمریکا (نقدی نژاد و سوری، ۱۳۸۷: ۱۶۹؛ دانش نیا و مارایی، ۱۳۹۵: ۱۳۸).

### ۳- اهمیت اوکراین برای اتحادیه اروپا

اروپا مهم ترین کشور اروپای شرقی در ابعاد جغرافیای سیاسی و اقتصادی برای اتحادیه اروپاست. اهمیت ژئوپلیتیکی این کشور، به عنوان دومین کشور بزرگ اروپایی واقع در سواحل شرقی و غربی دریای سیاه تا بدان جاست که برژینسکی از آن کشور به عنوان «قطار سیاست منطقه ای پس از گسترش اتحادیه اروپا» یاد می کند. اوکراین از جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ممتاز و انحصاری در اروپای شرقی برخوردار است (عبداللهی و باقری، ۱۳۹۷: ۹؛ رستمی و زینلی بادی، ۱۴۰۰: ۱۳۹).

«اوکراین در دهه اول استقلال به عنوان یکی از جمهوری های شوروی سابق مورد توجه اتحادیه اروپا نبود. با گسترش اتحادیه در شرق اروپا که از سال ۲۰۰۴ آغاز شد، اوکراین مورد توجه اروپا قرار گرفت. در حال حاضر، اتحادیه اروپا بزرگترین شریک تجاری اوکراین است که بیش از ۴۰ درصد تجارت خارجی این کشور را به خود اختصاص داده است. اوکراین همچنین هجدهمین مقصد صادراتی اتحادیه اروپا و نوزدهمین مبدأ واردات کالا به این اتحادیه است که حدود ۱٫۱ درصد از کل تجارت اتحادیه اروپا را به خود اختصاص داده است. صادرات اتحادیه اروپا به اوکراین از ۱۳٫۷ میلیارد یورو در سال ۲۰۱۵ به بیش از ۲۴ میلیارد یورو در سال ۲۰۱۹ رسید و در مقابل، صادرات اوکراین به اتحادیه اروپا هم در همین مدت از ۱۲٫۵ میلیارد یورو به بیش از ۱۹ میلیارد یورو افزایش یافت. بنابراین، اتحادیه اروپا پتانسیل بیشتری برای توسعه روابط اقتصادی و تجاری با اوکراین متصور است. چرا که اوکراین افزون بر در اختیار داشتن بازاری با ۴۳ میلیون مصرف کننده، ۷۰ درصد از زمین های قابل کشت آن از حاصلخیزترین خاک اروپا است» (یورو نیوز، ۲۰۲۲).

مهم‌ترين اهميت اوكرين براي اروپا، نقش ترانزيتي آن كشور در زمينه انرژي است. اروپا براي حدود ۴۰ درصد از گاز و ۲۵ درصد از واردات نفت خود به روسيه وابسته است كه اوكرين نقش مهمي در ترانزيت آن دارد و هرگونه اختلال مي‌تواند بحران انرژي را در اروپا موجب شود (Gordon, 2022).

#### ۴- اهداف آمريكا در جنگ اوكرين

قبل از شروع جنگ، روسيه بارها از غرب خواسته بود در صورت مصمم بودن به کاهش تنش‌ها، به درخواست‌هاي امنيتي مسكو توجه كند. روسيه بارها اعلام کرده بود استقرار سيستم‌هاي دفاع موشكي و نظامي ناتو در كشورهايي همچون اوكرين خطرناك است و به همين دليل ناتو بايد نسبت به سياست‌هاي توسعه‌طلبانه خود نزديك مرزهاي روسيه تجديد نظر كند. بي‌توجهي آمريكا به خواسته‌هاي امنيتي روسيه و تأكيد مداوم آمريكا بر حمله نظامي روسيه به اوكرين در رسانه‌ها، قبل از شروع اين رخداد به جاي اتخاذ تصميمي براي جلوگیری از آن، نشان داد كه آمريكا اهدافی در این جنگ داشته كه در ادامه به آن‌ها اشاره می‌گردد.

#### ۴-۱- حفظ تعادل ژئوپوليتيك در اروپا

با فروپاشي اتحاد شوروي، آمريكا به هژمون جهاني بدون رقيب تبديل شد. در اين راستا، آمريكا تلاش کرده است تا نفوذ و تسلط خود بر تمام مناطق جهان را حفظ كند و به ويژه از پيدايش هژمون‌هاي منطقه‌اي مستقل و مخالف با اهداف و منافع خود جلوگیری نماید (Bill, 2001: 89-92). ايالات متحده با كشورهايي كه داراي اهداف ايدئولوژيك بوده و به مقابله با سرمايه‌داري بين‌المللي می‌پردازند مقابله کرده و در سال‌هاي گذشته به سبب دخالت‌هاي خود در اين مورد حتى در گير جنگ‌هاي مختلفی شده است. موضوع ديگري كه ايالات متحده نسبت به آن حساس بوده، شكل‌گيري هژمون‌هاي منطقه‌اي مستقل و يا مخالف آمريكا است. اين موضع‌گيري در مورد مناطق غني و راهبردي به روشني دنبال شده و از اهميت بيشتري برخوردار بوده است. در اين راستا آمريكا تلاش کرده است با استفاده از اتحادهای منطقه‌اي و همراهی با کشورهای دوست در منطقه، تحريم‌هاي اقتصادي، اعلاميه‌هاي رسمي عمومي، تهديد نظامي، ژست‌ها و فشارهاي

سیاسی بر این نوع حکومت‌ها فشار آورده تا از مواضع ضدآمریکایی خود دست بردارند و یا در موضعی تدافعی در مقابل این کشور قرار گیرند (Snyder, 1999: 266-267).

در سال ۱۹۹۴، زیبگنیو برژینسکی، مشاور سابق امنیت ملی، تعامل ایالات متحده با اوکراین تازه استقلال یافته را با این استدلال توجیه کرد که یک اوکراین قدرتمند نه تنها به نفع اوکراینی‌ها خواهد بود، بلکه به جلوگیری از ظهور امپراتوری جدید روسیه کمک می‌کند و امنیت منطقه‌ای و جهانی را تقویت می‌نماید. برژینسکی گفت: «نمی‌توان به اندازه کافی تاکید کرد که بدون اوکراین، روسیه امپراتوری نیست، اما با تحت انقیاد و سپس تابعیت اوکراین، روسیه به طور خودکار به یک امپراتوری تبدیل می‌شود» (Brzezinski, 1994: 80).

آمریکا برای حفظ نظم موجود، مهار رقبای قدرتمند و قدرت‌های نوظهور و همچنین بازدارندگی در مقابل آنان، سعی دارد استراتژی تعادل و توازن ژئوپلتیک را پیاده سازی کند. بر این اساس ایالات متحده تلاش می‌کند اولاً از اتحاد کشورهای قدرتمند جلوگیری نماید و ثانیاً آنان را به رقابت با یکدیگر وادار سازد. در این ارتباط کسینجر استراتژیست مشهور آمریکایی در توصیه‌ای راهبردی به مقامات کاخ سفید گفته بود «برای حفظ تعادل ژئوپلتیک» در اروپا، روسیه نباید بیش از حد معینی به اروپا نزدیک‌تر گردد. جنگ اوکراین به عنوان بخش مهمی از پازل راهبردی آمریکا برای استراتژی تعادل و توازن ژئوپلتیک، از یک سو روسیه را از اروپا دور می‌سازد و کشورهای حوزه یورو را با ادراک «روسیه‌هراسی» در جرگه متحدان واشنگتن حفظ می‌کند. از دیگر سو پیاده‌سازی این استراتژی اروپا را در دو حوزه امنیت و انرژی بیش از پیش به ایالات متحده وابسته می‌سازد (سراج، ۱۴۰۰).

هدف واشنگتن «تضعیف» همه رقبای بالقوه خود است. این تاکتیک برای ژاپن اعمال شده و برای آن کارساز بوده است. ایالات متحده این استراتژی را برای سایر کشورهای بزرگی که مایل به رقصيدن با آهنگ ایالات متحده نیستند، ادامه خواهد داد (Global times, 2022).

با تداوم جنگ اوکراین و پیامدهای آن از قبیل ایجاد بحران انرژی در کشورهای اروپایی و بروز ناآرامی‌ها و آشوب‌های اجتماعی در شهرها، مقامات و سران اروپا لحن و بیان دیپلماتیک را کنار گذاشته و آشکارا واشنگتن را متهم می‌کنند که از تداوم جنگ در اوکراین سود می‌برد و ضررهای آن بر کشورهای اروپایی تحمیل می‌شود؛ اعتراض و احساس شکست سران اروپا در

جنگ اوکراین، ناآگاهانه موضوع و معضل بنیادی تری را عیان می‌کند؛ وابستگی ساختاری و حکمرانی به آمریکا (معصومی، ۱۴۰۱). امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه در اعتراض به همین شرایط گفته که قیمت‌هایی که آمریکا بر گاز فروشی به اروپا اعمال می‌کند، «غیردوستانه» است. وی در مصاحبه با شبکه سی بی اس در ادامه انتقادهای خود از آمریکا، به موضوع قطع صادرات گاز روسیه به کشورهای اروپایی و سودجویی این کشور از این وضعیت پرداخت و گفت: «اروپا اکنون گاز بیشتری از آمریکا خریداری می‌کند ولی به قیمتی ۶ برابر مصرف کنندگان آمریکایی؛ آن هم در زمانی که تورم و بیکاری در فرانسه حدود ۷ درصد است. مکرون تاکید کرد که آمریکا و فرانسه در جنگ اوکراین در یک اردو قرار دارند و برای ارزش‌های مشترک درگیر آن شده‌اند در صورتی که هزینه این جنگ در اروپا و آمریکا برابر نیست» (CBC NEWS, 2022).

#### ۴-۲- تضعیف روسیه

یکی از اهداف آمریکا از جنگ اوکراین تضعیف روسیه است. «الگوی رفتاری روسیه در منطقه پیرامونی خویش که همواره آن را حیاط خلوت خود قلمداد کرده است، حکایت از این واقعیت تاریخی دارد که روسیه با رهبری پوتین برای غلبه بر بحران هویتی که همواره پس از جنگ سرد با آن مواجه بوده- یعنی نزاع بین هویت شرقی یا غربی- و به منظور احیای امپراتوری روسی، با کمک درآمدهای نفت و گاز، در پی پیشینه‌سازی قدرت خود و تثبیت جایگاه روسیه در عرصه بین‌المللی به عنوان یک قدرت بزرگ و در عرصه منطقه‌ای به عنوان یک هژمون منطقه‌ای است. موضوعی که در متون و دکترین جدید روسیه و در متون و اظهارات رسمی مقامات دولتی و نظریه پردازان روسی و به ویژه پوتین و لادووف به عنوان وزیر امور خارجه بارها به صراحت مورد تأکید قرار گرفته است.» (کریمی‌فرد و روحی دهینه، ۱۳۹۳: ۵۵۳). آمریکا سال‌هاست که نگران حضور قوی روسیه در صحنه اقتصادی و سیاسی منطقه پیرامونی است و تلاش برای تضعیف آن کشور در دستور کار آمریکاست.

بورگر با اشاره به اظهارات اخیر مقامات آمریکا مبنی بر تمرکز بر تضعیف روسیه، در تحلیلی در روزنامه گاردین نوشته است: «اظهارات لوید آستین، وزیر دفاع آمریکا مبنی بر اینکه واشنگتن می‌خواهد روسیه از نظر نظامی ضعیف شده و به این زودی‌ها تجدید قوا نکند، نشان‌دهنده تغییر هدف اصلی آمریکا در حمایت از اوکراین است». این روزنامه در تحلیل خود اشاره می‌کند؛ پس

از بازدید غیرمنتظره لوید آستین، وزیر دفاع آمریکا، از اوکراین، در یک کنفرانس مطبوعاتی در لهستان از او سؤال شد که آیا اکنون اهداف ایالات متحده را متفاوت از اهدافی که بلافاصله پس از تهاجم روسیه تعیین شده بود، تعریف می‌کند؟ آستین در پاسخ، به کمک به اوکراین برای حفظ حاکمیت و دفاع از خاک اشاره و سپس به هدف دوم که می‌تواند هدف اصلی آمریکا باشد اشاره کرد: «ما می‌خواهیم روسیه را در حدی ضعیف ببینیم که نتواند کارهایی را انجام دهد که در حمله به اوکراین انجام داده است». این بدان معناست که روسیه نباید «توانایی بازتولید سریع» نیروها و تجهیزاتی را که در اوکراین از دست داده بودند، داشته باشد» (Borger, 2022). البته تضعیف روسیه به این صورتی که مقامات آمریکا به آن تاکید می‌کنند، می‌تواند در تکمیل هدف قبلی آمریکا مبنی بر حفظ تعادل ژئوپلیتیک در اروپا نیز تأثیرگذار باشد.

حمله روسیه به اوکراین این فرصت را به آمریکا داد تا با استفاده از ابزار تحریم، نسبت به تضعیف اقتصاد روسیه اقدام کند. آمریکا به منظور دستیابی به اهدافی خاص در سیاست خارجی، به طور فزاینده‌ای از سیاست تحریم اقتصادی استفاده کرده است. آمریکا تحریم‌های اقتصادی را به طور یک‌جانبه یا از طریق نفوذ در شورای امنیت سازمان ملل بر کشورهای که با اهداف و امیال او چالش دارند، تحمیل می‌کند (Huntington, 1999: 35-49).

با آغاز حمله روسیه به اوکراین، آمریکا و غرب با هدف تضعیف روسیه، تحریم‌های زیادی از جمله تحریم‌هایی در زمینه امور مالی، انرژی و حمل‌ونقل و همچنین محدودیت‌های تجاری و فردی را اعمال کردند تا روسیه بهای اقتصادی سنگینی را بپردازد. بهانه این تحریم‌ها جنگ با اوکراین بود. در واقع موضع کشورهای غرب از نظر تحریم‌ها شکل مقاومت چندبعدی<sup>۱</sup> گرفت که روس‌ها انتظار چنین پاسخی را نداشتند (Hossain & Rubel, 2022).

از زمان حمله روسیه به اوکراین در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲، بیش از ۱۱۰۰۰ محدودیت تحریمی جدید برای افراد، شرکت‌ها، محصولات و فناوری‌های روسی اعمال شده است. ایالات متحده به تنهایی حدود ۲۶۰۰ نفر روسی، بلاروسی و اوکراینی را به دلیل مشارکت یا حمایت از جنگ تحریم کرده است. کنترل صادرات توسط متحدان غربی یکی از موفقیت‌های رژیم تحریم‌ها بوده است. عدم صادرات فناوری حساس تولید شده توسط غرب به روسیه عمدتاً بخش‌های دفاعی،

1. Multidimensional resistance

هوانوردی و دریایی روسیه را هدف قرار داده است و منجر به کاهش چشمگیر برخی از این صنایع شده است. ساخت هواپیما در سال ۲۰۲۲ حدود ۲۵ درصد کاهش یافت و به پایین ترین سطح از سال ۲۰۰۸ رسید. در نتیجه خروج خودروسازان بزرگ خارجی پس از اعمال تحریم‌ها و کنترل صادرات، تولید خودروهای سواری روسیه در سه ماهه سوم سال ۲۰۲۲ حدود ۵۰ درصد کاهش یافت. صنعت داروسازی نیز به طور قابل توجهی تحت تاثیر تحریم‌ها قرار گرفته است و نزدیک به ۸۰ درصد از تولیدات داخلی به مواد اولیه وارداتی وابسته است. در طول سال ۲۰۲۲، روسیه به طور مداوم با کمبود انواع مختلف تجهیزات پزشکی، از جمله برخی داروهای مهم و حیاتی مواجه بود (نوری، ۱۴۰۲).

پس از اعمال تحریم نفتی و سقف قیمتی، قیمت نفت خام اورال کاهش بیشتری را آغاز کرد و روبل (که ارتباط تنگاتنگی با نفت روسیه دارد) نیز شروع به تضعیف کرد. در ماه دسامبر، ارزش نفت خام اورال تقریباً ۳۰ درصد کاهش یافت، زیرا تخفیف قیمت آن در مقایسه با نفت خام برنت به تقریباً ۴۰ درصد افزایش یافت. ماه اول تحریم و سقف قیمت نفت برای مسکو حدود ۱۶۰ میلیون یورو (۱۷۲ میلیون دلار) در روز هزینه داشت یا حدود ۱۷ درصد کاهش در درآمد روسیه از صادرات سوخت فسیلی. این امر درآمدهای انرژی کشور را به پایین ترین سطح از آگوست ۲۰۲۰ رساند. به دنبال آن کاهش سریع درآمدهای مالیاتی نفت و گاز در اوایل سال ۲۰۲۳ رخ داد که منجر به بزرگترین کسری بودجه از زمان بحران سال ۱۹۹۸ شد (نوری، ۱۴۰۲).

در واقع طولانی شدن این جنگ با توجه به هدف گذاری برخی از کشورهای غربی از جمله آمریکا و انگلیس این امیدواری را در بین آنها تقویت می‌کند که آنها به هدف خود یعنی تضعیف روسیه دسترسی بیشتر و زودتری خواهند داشت و در واقع خواست و هدف غرب برای اینکه روسیه جایگاه خود را در عرصه بین‌المللی از دست بدهد، محقق می‌شود.

گلوبال تایمز در ۳۰ آوریل ۲۰۲۲ در تحلیلی نوشت: «با گفتن اینکه آمریکا می‌خواهد روسیه را ضعیف ببیند، نیت واقعی آمریکا آشکار شد. این هرگز یک درگیری فقط بین اوکراین و روسیه نبود، بلکه یک جنگ نیابتی بین واشنگتن و مسکو است. گرچه سخن گفتن از جنگ نیابتی اغراق آمیز می‌باشد اما این سخن نشان‌دهنده موضع و تلاش آمریکا برای تضعیف روسیه است. در این تحلیل به نقل از بلومبرگ اشاره می‌شود که بایدن با فریب ویزا به دنبال ربودن دانشمندان

برجسته پوتین است. اما آیا کار خواهد کرد؟ بر اساس این گزارش، در میان آخرین درخواست تکمیلی کاخ سفید از کنگره آمریکا، پیشنهادی برای کنار گذاشتن این قانون وجود دارد که متخصصان روسی متقاضی ویزای مبتنی بر اشتغال باید کارفرمای فعلی داشته باشند. هدف این است که «استعدادهای روسی با تجربه در زمینه نیمه هادی‌ها، فناوری فضایی، امنیت سایبری، ساخت پیشرفته، محاسبات پیشرفته، مهندسی هسته‌ای، هوش مصنوعی، فناوری‌های رانش موشک و سایر زمینه‌های علمی تخصصی به ایالات متحده بروند» بلومبرگ به نقل از سخنگوی شورای امنیت ملی گزارش می‌دهد که این تلاش برای تضعیف منابع فناوری پیشرفته و پایه نوآوری روسیه است. در این تحلیل اشاره می‌شود که ایالات متحده ابزار دیگری را برای تضعیف روسیه انتخاب کرده است، روند فرار مغزها در روسیه موجب خواهد شد آن کشور بدون دانشمندان و مهندسان درجه یک و همچنین پایگاه نوآوری با فناوری پیشرفته، به احتمال زیاد ستون اصلی خود را در توسعه اقتصادی و نظامی از دست بدهد. شن یی، استاد دانشگاه فودان، در این زمینه معتقد است؛ ایالات متحده می‌تواند ظرفیت توسعه روسیه را از درون به پایان برساند، درست مانند جنگ بر سر استعداد بین ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی سابق در طول جنگ سرد» (Global times, 2022).

آمریکا برای حفظ هژمونی خود و تضعیف قدرت نظامی روسیه در اوکراین، توجه خاصی به ناتو دارد. با فروپاشی شوروی و انحلال ورشو آمریکا به تجدید ساختار ناتو به عنوان بخشی از راهبرد هژمونی طلبی خود در راستای گسترش فرهنگ آمریکایی توجه نشان داد. در این راستا کارکردهای جدید و اهداف متنوعی مانند تغییر در مأموریت‌ها و ایجاد وسعت سرزمینی را تعریف نمود. چون آمریکا می‌خواهد قسمتی از مأموریت تضعیف روسیه را به اروپا واگذار نماید چه بهتر که از ظرفیت اروپاییان در ناتو بهره ببرد. در واقع ناتو ابزار مدیریت نظامی آمریکا در اروپا بوده است. حمله به اوکراین ترسی سهمگین بر اروپا مستولی نمود. آنان ترغیب شدند تا طرحی نو دراندازند که همانا نیروی نظامی و تقویت بنیه نظامی اروپا به دو صورت مستقل یا هماهنگ با ناتو بود و این همان چیزی بود که مورد پسند آمریکا قرار گرفت. پوست‌اندازی ناتو منجر به همبستگی این اتحاد نظامی گردید. افزایش نیروهای دفاعی ناتو در شرق، ارسال تجهیزات نظامی به کشورهای شرق اروپا، موضوع عضویت اعضای جدید فنلاند و سوئد در ناتو اقدامات جدید ناتو

بود. دبیر کل ناتو با اشاره به افزایش تعداد نیروهای واکنش سریع این پیمان از ۴۰ هزار به ۳۰۰ هزار نفر در آینده اعلام نمود که ناتو به بزرگ‌ترین سازماندهی مجدد خود از زمان جنگ سرد رسیده است. مداخله و حمایت تسلیحاتی ناتو از اوکراین است که اوج‌گیری جنگ را بالا برده و آن را طولانی نموده است (Bayer, 2022).

اگرچه آمار دقیقی از تلفات در جنگ اوکراین ارائه نشده است، اما نیویورک تایمز به قلم کوپر و همکاران وی اشاره می‌کند که مقامات آمریکایی تعداد کل نیروهای اوکراینی و روسیه که از زمان آغاز جنگ در اوکراین در ۱۸ ماه پیش کشته یا زخمی شده‌اند را به ۵۰۰۰۰۰ نفر اعلام کرده‌اند. به گفته مقامات، تلفات نظامی روسیه به ۳۰۰۰۰۰ نفر می‌رسد. این تعداد شامل ۱۲۰۰۰۰ کشته و ۱۷۰۰۰۰ تا ۱۸۰۰۰۰ سرباز مجروح است. و میزان تلفات نزدیک اوکراین ۷۰۰۰۰ کشته و ۱۰۰۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰۰ مجروح بوده است (Cooper et al, 2023)، در کنار تلفات انسانی، انهدام تجهیزات نظامی روسیه در جنگ اوکراین بر توان نظامی روسیه تأثیر جدی خواهد گذاشت و این همان خواسته آمریکا از ادامه جنگ است تا با فرسایشی و ادامه دار بودن جنگ، توان نظامی روسیه تضعیف شود.

#### ۴-۳- تأمین منافع اقتصادی مجتمع‌های نظامی - صنعتی

سی رایت میلز<sup>۱</sup> از نخستین کسانی بود که در کتاب «برگزیدگان قدرتمند» که در سال ۱۹۵۶ انتشار یافت از نقش این مجتمع‌ها در جامعه و نظام سیاسی آمریکا سخن گفت. وی با بررسی دقیق رابطه سازمان‌های اجرایی با صاحبان صنایع بزرگ و تحلیل اثرات این رابطه تنگاتنگ بر فرایند نظامی شدن اقتصاد و جامعه آمریکا به این نتیجه رسید که جبهه‌گیری مشترک برگزیدگان قدرتمند دستگاه نظامی و اقتصادی، نظام سیاسی آمریکا را شدیداً تهدید به نابودی می‌کند. میلز معتقد بود توسعه‌ای که منجر به تشدید نظامی شدن اقتصاد سرمایه‌داری آمریکا شده، از طریق پیوند منافع برگزیدگان قدرتمند بخش‌های صنایع و اقتصاد با بخش نظامی به وجود آمده است (مدرس و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۸۹). بنابراین به نظر میلز «تشدید روابط خصوصی بین نظامیان و گروه‌های قدرتمند و ذی‌نفوذ اقتصادی تنها به معنی تسریع و آسان ساختن زمینه عقد قراردادهای یک‌طرفه و سوداندوزی بیشتر نیست، بلکه این روابط، مشخصات ساختارهای جامعه سرمایه‌داری آمریکا

1. Charles Wright Mills

را نیز به نمایش می‌گذارد» وی اضافه می‌کند «در پس افزایش روزافزون بودجه ایالات متحده آمریکا و تغییراتی که تحت تأثیر این عامل در رهبری سیاسی-اقتصادی این کشور صورت می‌گیرد، تحولی بنیادین در نظام سرمایه‌داری معاصر آمریکا به سوی یک اقتصاد مستمر جنگی نهفته است» (Mills, 1954: 238). هارتونگ<sup>۱</sup> در گزارشی در اندیشکده کوئینسی در خصوص منافع مجتمع نظامی و صنعتی آمریکا در جنگ اوکراین می‌نویسد؛ «تحولات اخیر در چهارچوب «جنگ اوکراین»، جدای از اینکه رنج و آسیب‌های فراوانی را برای مردم و افراد غیرنظامی ایجاد کرده، موجب افزایش قابل توجه هزینه‌کردهای نظامی آمریکا و اتحادیه اروپا نیز شده است. اگرچه جنگ اوکراین به زعم بسیاری یک تراژدی قابل توجه در عرصه روابط بین‌الملل است با این حال، یک گروه هستند که نه تنها از این جنگ منفعت زیادی می‌برند بلکه حتی خواهان تداوم یافتن آن نیز هستند. این گروه همان «پیمانکاران و شرکت‌های تسلیحاتی ایالات متحده آمریکا» هستند. حتی پیش از اینکه جنگ اوکراین آغاز شود، بسیاری از شرکت‌های تسلیحاتی بزرگ آمریکا، مباحث گسترده‌ای را با محوریت این مسأله به راه انداخته بودند که تا چه اندازه اوج‌گیری تنش‌ها در قاره اروپا می‌تواند تضمین‌کننده تامین منافع اقتصادی آن‌ها باشند. در این راستا، گرگ هیز، رئیس شرکت آمریکایی ریتان تکنالوجیز<sup>۲</sup> تأکید داشت که چشم‌انداز وقوع درگیری و منازعات در شرق اروپا و دیگر مناطق جهان می‌تواند آورده اقتصادی بسیار خوبی برای این شرکت داشته باشد. وی همچنین در این رابطه می‌گوید: «ما فرصت‌هایی را جهت فروش بین‌المللی تسلیحات تولیدی خود پیش چشم‌هایمان می‌بینیم... تنش‌ها در شرق اوکراین، تنش‌ها در دریای چین جنوبی، و دیگر تنش‌های مشابه، همه و همه موجب می‌شوند تا بودجه‌های نظامی در جهان بالا روند. از این منظر، من کاملاً انتظار دارم که حدی از مزایا و منافع این قضیه نصیب شرکت ما نیز شود» (Hartung, 2022).

از سال ۲۰۱۴ (اسفند ۱۳۹۲) که شبه جزیره کریمه از خاک اوکراین جدا و به روسیه ملحق شده، دولت آمریکا در راستای منافع شرکت‌های تسلیحاتی آمریکایی گام برداشته است. از سویی، از زمان آغاز جنگ اوکراین تاکنون نیز دولت بایدن مبلغی بالغ بر ۵ میلیارد دلار را در قالب کمک‌های امنیتی به دولت اوکراین اعطا کرده که بیش از ۳٫۲ میلیارد دلار آن در قالب کمک‌های نظامی به دولت اوکراین اعطا شده که در این رابطه نیز برنده اصلی، شرکت‌های

1. Hartung

2. Raytheon Technologies

تسليحاتي و مجتمع‌هاي نظامي - صنعتي آمريكايي بوده‌اند (Hartung, 2022). قابل ذكراست كه كمك‌هاي نظامي به اوكرين فقط منحصر به آمريكا نبوده است و ساير كشورهاي غربي نيز در اين زمينه پيشگام بوده‌اند، اما ميزان اين كمك‌ها اختلاف فاحشي دارند. به طوري كه از بهمن ۱۴۰۰ تا مرداد ۱۴۰۱ آمريكا با اختصاص ۲۵ ميليارد دلار كمك نظامي به اوكرين در رتبه نخست قرار داشت و پس از آن كشورهاي بریتانيا، لهستان، آلمان، كانادا، چك، ليتواني، استراليا، استوني و فرانسه بوده‌اند (Bochholz, 2022). به طور كلي واشنگتن از زمان آغاز جنگ ميان روسيه و اوكرين، حدود ۶۸ ميليارد دلار به كي‌يف كمك مالي اختصاص داده است. كمك‌هاي مالي آمريكا به اوكرين به اشكال مختلف ارائه مي‌شود. بخشي از اين بودجه صرف كمك‌هاي نظامي مانند ارائه تسليحات و تجهيزات نظامي، آموزش پرسنل نظامي اوكرين و به اشتراك گذاري اطلاعات مي‌شود. بخش ديگر اين بودجه، مستقيماً در اختيار دولت كي‌يف قرار مي‌گيرد تا بتواند فعاليت و خدمات خود را در ميان بحران اقتصادي اوكرين حفظ كند و بخشي از اين كمك‌ها نيز به عمليات‌هاي دولت آمريكا مربوط به بحران اوكرين اختصاص مي‌يابد و ظاهراً مقداري بودجه نيز صرف مسائل بشردوستانه مي‌شود (خبرگزارى جمهورى اسلامى ايران، ۱۴۰۱/۱۰/۱۴). «فعاليت اقتصادي مجتمع‌هاي نظامي - صنعتي در جامعه آمريكا به دو طريق انجام مي‌شود. از يك سو اين مجتمع‌ها به عنوان محرك اقتصاد آمريكا عمل مي‌كنند و زماني كه اقتصاد دچار ركود مي‌شود، دولت سعي مي‌كند با حمايت از مجتمع‌ها به افزايش فروش آن‌ها كمك كند كه اين كار باعث اشتغال‌زايي و كسب سرمايه مي‌شود. از سوي ديگر، هدف اصلي مجتمع‌هاي نظامي - صنعتي كسب سود اقتصادي و افزايش ميزان فروش و كسب درآمد است. به همين خاطر سعي مي‌كنند با انعقاد قراردادهاي بزرگ و متعدد با پنتاگون، شرايط كسب سود را مهيا كنند. در جامعه آمريكا ۸۵ هزار مجتمع نظامي - صنعتي وجود دارد كه باعث اشتغال‌زايي گسترده شده‌اند. پرسي‌ها نشان مي‌دهد كه فقط در ۲۵ مجتمع بزرگ نظامي - صنعتي در آمريكا بيش از دو ميليون نفر به صورت مستقيم مشغول به كار هستند» (يزدان پناه، ۱۳۹۲؛ مدرس و همكاران، ۱۳۹۶: ۱۹۳).

تولسي گابارد عضو سابق مجلس نمايندگان آمريكا و از نامزدهاي حزب دموكرات در مرحله مقدماتي انتخابات رياست جمهوري ۲۰۲۰ معتقد است؛ صنايع نظامي و اسلحه‌سازي، كنترل دولت بايدن را در اختيار دارند. جنگ‌طلبان از هر دو حزب دموكرات و جمهوري‌خواه در آتش اين

بحران می‌دمند؛ چرا که به این ترتیب، صنایع تسلیحاتی می‌توانند به مراتب بیشتر از آنچه در جریان مبارزه (ادعایی) با القاعده عایدشان شد، از جنگ روسیه و اوکراین عایدی داشته باشند و هزینه همه این‌ها را مردم اوکراین با (آوارگی) و مردم روسیه (با تحریم) می‌پردازند (Gabbard, 2022).

پس از آغاز اقدام نظامی روسیه در اوکراین و ارسال تسلیحات آمریکایی و اروپایی به کی‌یف، تقاضا برای عرضه و تولید تسلیحات نیز بیشتر شده است. حتی پنتاگون برای سرعت بخشیدن به روند تایید فروش و انتقال اقلام تسلیحاتی تولید شده از سوی شرکت‌های آمریکایی طرف قرارداد با وزارت دفاع این کشور، تیمی ویژه را برای پاسخگویی به درخواست‌ها ایجاد کرده است. همین عامل مهم است که در تابستان امسال مدیر عامل شرکت لاکهید مارتین<sup>۱</sup> که بزرگ‌ترین پیمانکار صنایع جنگ‌افزاری جهان به‌شمار می‌آید، از برنامه دو برابر شدن تولید موشک‌های ضد تانک جاولین خبر داد (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۱) از زمان جنگ اوکراین، سهام شرکت‌های آمریکایی افزایش چشمگیری داشت. ارزش سهام لاکهید مارتین به عنوان شرکت آمریکایی سازنده جنگ‌افزار، به ۲۳ درصد رسید. این در حالی است که رشد تولید شرکت نورثروپ گرامن<sup>۲</sup> هم که سومین شرکت صنایع دفاعی جهان و مستقر در آمریکاست، از زمان آغاز جنگ اوکراین به ۲۶ درصد رسید. میزان رشد سهام آیروویرونمنت<sup>۳</sup>، ۸۶ درصد رشد داشت (Mishra, 2022) و انتظار می‌رود با فرسایشی شدن جنگ، این سودها افزایش بیشتری یابد.

آمریکا و متحدان، جنگ اوکراین را فرصت مناسبی می‌دانند تا با تحمیل هزینه‌هایی سخت بر روسیه، منابع این کشور مصرف گردد و روسیه جایگاه بین‌المللی خود را که با افزایش فروش منابع انرژی کسب نموده بود از دست بدهد. به عبارت دیگر، آن‌ها تلاش می‌کنند تا با گل‌آلود نمودن آب این جنگ، خیال خود را از جانب تهدیدات احتمالی روسیه آسوده کنند. استراتژی آمریکا و اروپا مدیریت یک جنگ طولانی مدت است و سیاست آن‌ها سیاست مقابله است نه پایان دادن به جنگ. بر اساس این استراتژی، در حالی که آمریکا و اروپا از دخالت مستقیم نظامی پرهیز می‌کنند، به ارائه تسلیحات مورد نیاز اوکراین (همراه با اطلاعات و آموزش مرتبط) ادامه می‌دهند تا بتوانند اقدامات نظامی روسیه را ناکام و از کنترل بیشتر در قلمرو اوکراین جلوگیری کنند. آن‌ها از هدف اوکراین برای بازگرداندن تمامیت ارضی کامل خود از طریق سیاست تحریم و دیپلماسی

1. Lockheed Martin  
2. Northrop Grumman  
3. Aerovironment

حمایت می‌کنند و در عین حال از به رسمیت شناختن هر سرزمینی که پوتین تلاش می‌کند تا آن را بخشی از روسیه کند، خودداری می‌کنند.

به نظر می‌رسد آمریکا به رغم شعارهای خود درباره لزوم پایان دادن به جنگ اوکراین اما در عمل رویکرد عمیق و گسترش این جنگ را با ارسال کمک‌های نظامی و تسلیحاتی به اوکراین در پیش گرفته و در چنین شرایطی نه تنها آتش جنگ فروکش نخواهد شد، بلکه بر دامنه آن افزوده شده و روسیه را برای درگیری بیشتر مصمم خواهد کرد که همچنان که اشاره شد هدف آمریکا هم بر این است که با فرسایشی کردن جنگ، روسیه را هر چه بیشتر تضعیف نموده و برای تحقق این هدف اروپا را با خود همراه ساخته و به دلیل مشکلاتی که از جنگ اوکراین متوجه اروپا شده، دنباله روی از سیاست‌های آمریکا برای برون رفت از این مشکلات، اروپا را بیش از گذشته به آمریکا وابسته خواهد کرد.

## نتیجه‌گیری

اوکراین با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی که دارد، صحنه رویارویی قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای پس از فروپاشی شوروی و به ویژه در آغاز قرن بیست و یکم بوده است. جنگ روسیه با اوکراین که از ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ شروع شده، به صورت روزافزونی روابط بین‌الملل را تحت‌الشعاع قرار داده است. رویارویی آمریکا و روسیه به‌عنوان دو رقیب دیرینه و صف‌آرایی بسیاری از کشورهای اروپایی در مقابل روسیه، و اصرار پوتین بر مشروعیت اقدامات خود، عرصه جهانی را متاثر ساخته است. بسیاری از ناظران و تحلیل‌گران بر این باورند که جنگ تأثیر عمیقی بر سیاست جهانی خواهد داشت. آن چیزی که در این جنگ مشهود است رویارویی آمریکا و روسیه است که پس از فروپاشی شوروی به شکل‌های مختلفی این رویارویی بروز و ظهور یافته است. روسیه تلاش کرده از طریق راه‌اندازی اتحادیه اوراسیا، جمهوری‌های سابق شوروی را در قالبی جدید به همکاری اقتصادی با روسیه جلب کرده و نفوذ خود را در آن کشورها حفظ کند. یکی از مهم‌ترین این کشورها که روسیه به‌عنوان سنگرگاه در برابر ناتو به آن نگاه می‌کند، اوکراین است. در مقابل، آمریکا در جهت رسیدن به اهداف خود یعنی مهار روسیه، در قالب ناتو و با شعارهایی

همچون گسترش دموکراسی، صلح و امنیت برای کشورهای اروپای مرکزی، شرقی و حوزه بالکان، سعی در گسترش ناتو به شرق و رساندن حوزه نفوذ خود به مرزهای روسیه دارد. ناتو و در راس آن آمریکا با حمایت از اوکراین در این جنگ تلاش می‌کنند تا روسیه را تضعیف نمایند. روسیه در دهه‌های اخیر با سیاست‌هایی که پوتین پیگیری کرده است، در حوزه‌های نظامی و اقتصادی و تأثیرگذاری در تحولات مهم نظام بین‌الملل موفقیت‌هایی داشته است و این امر برای ایالات متحده آمریکا که تلاش نموده از قدرت گرفتن هژمون‌های منطقه‌ای ممانعت نماید، تهدیدی جدی است. بنابراین آن کشور تلاش می‌نماید روسیه را به بهانه‌های مختلف و با به کارگیری ابزارهای سیاسی و اقتصادی تضعیف نماید. در شرایط فعلی این مهم در جنگ اوکراین محقق می‌شود. اگر چه روسیه وانمود می‌کند که تمهیدات لازم را برای مقابله با تحریم‌های اقتصادی آمریکا و اروپا اتخاذ کرده ولی طبیعی است تحریم‌ها تأثیر خود را بر اقتصاد روسیه گذاشته و خواهد گذاشت و در کنار آن از دست دادن تجهیزات نظامی در جنگی که پیش‌بینی نمی‌شد این مدت طول بکشد موجب خواهد شد روسیه برای رسیدن به وضعیت اقتصادی و نظامی قبل از آغاز جنگ چندین سال تلاش نماید.

آمریکا برای حفظ نظم موجود، مهار رقبای قدرتمند و قدرت‌های نوظهور و همچنین بازدارندگی در مقابل آنان، سعی دارد استراتژی تعادل و توازن ژئوپلیتیک را پیاده سازی کند. جلوگیری از فعالیت ژئوپلیتیکی کارآمد و پویای قدرت‌هایی همچون اتحادیه اروپا در راستای دسترسی به حوزه و یا حوزه‌های ژئواستراتژیک جهانی و دستیابی به جهانی چند قطبی؛ سیاست آمریکا در قبال این واحدهای سیاسی است. بنابراین درگیری اجباری و ناخواسته اروپا در جنگ اوکراین با استراتژی‌های سیاسی ساختگی پنهان آمریکا و سپس تحمیل آن به این اتحادیه موجب ضعف ژئوپلیتیکی در ابعاد منابع، وابستگی امنیتی، تضعیف سیاسی و هزینه‌های مضاعف نظامی برای اتحادیه اروپا خواهد شد.

همچنین ایالات متحده آمریکا به خاطر جامعه متکثر خود گروه‌های ذی نفوذ زیادی دارد که همواره به دنبال تأثیرگذاری بر روند تصمیم‌گیری در سیاست بوده‌اند، یکی از این گروه‌ها مجتمع‌های صنعتی-نظامی است که بعد از جنگ جهانی دوم نقش آن در سیاست خارجی آمریکا بیشتر شده است. نفوذ مجتمع‌های نظامی-صنعتی در نهادهای مرتبط با سیاست خارجی

ایالات متحده آمریکا باعث هدایت سیاست خارجی این کشور به سمت مداخله‌گرایی و جنگ شده که تامین منافع این مجتمع‌ها با توجه به نفوذی که در سیاست خارجی آمریکا دارند، می‌تواند به‌عنوان یکی دیگر از اهداف آمریکا در جنگ اوکراین قلمداد گردد.

## منابع

- برژنيسكى، ژينگيو. (۱۳۸۵). *پس از سقوط، بازی نهایی در جهان تک قطبی*. ترجمه امیرحسین توکلی، تهران، انتشارات سبزان.
- بهمن، شعیب. (۱۳۹۴). *تأثیر بحران اوکراین بر روابط روسیه و آمریکا*. فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، ۱۵(۶۱)، ۱-۳۰.
- بیژن، عارف. (۱۴۰۰/۱۲/۷). *زمینه‌ها و ابعاد حمله روسیه به اوکراین*. مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- جعفری، علی اکبر؛ دادپناه، محمد. (۱۳۹۵). *ناتوی عربی و مهار نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا در چارچوب تئوری رئالیسم تهاجمی (استراتژی احاله مسئولیت)*. فصلنامه جریان شناسی دینی معرفتی در عرصه بین الملل، (۱۱)، ۱۷۸-۱۵۵.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران. (۱۴۰۱/۱۰/۱۴). *آمریکا: به ارائه کمک‌های نظامی اوکراین ادامه خواهیم داد*. قابل دسترسی در: <https://www.irna.ir/news/84989594/>
- سراج، رضا. (۱۴۰۰/۱۲/۱۵). *جنگ اوکراین و تعادل ژئوپلتیک*. مشرق نیوز: <https://www.mashreghnews.ir/news/1348378>
- صفری، عسگر؛ وثوقی، سعید. (۱۳۹۵). *ژئوپلتیک اوکراین و نقش آن در رقابت روسیه و ایالات متحده آمریکا*. فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی، (۲۶)، ۱۳۸-۱۱۱.
- دانش نیا، فرهاد؛ مارایی، مهری. (۱۳۹۵). *تقابل سازه انگارانه آمریکا و روسیه در اوکراین*. فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، ۹(۲)، ۱۳۹-۱۲۱.
- رستمی، محسن؛ زینلی بادی، حسین. (۱۴۰۰). *بررسی اهمیت استراتژیک اوکراین برای اروپا و آمریکا*. فصلنامه دانش نامه علوم سیاسی، ۲(۴)، ۱۴۸-۱۲۸.
- زمانی، ناصر. (۱۳۹۲). *تحلیل ریشه‌ها و ماهیت بحران اوکراین: تشدید تنش شبه جنگ سرد بین روسیه و غرب*. فصلنامه سیاست خارجی، ۲۷(۴)، ۹۱۸-۸۸۹.
- کتاب سبز روسیه. (۱۳۸۸). *تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه*.
- کریمی فرد، حسین؛ روحی دهینه، مجید. (۱۳۹۳). *بیشینه سازی قدرت روسیه در قبال بحران اوکراین*. فصلنامه سیاست خارجی، ۲۸(۳)، ۵۷۷-۵۵۱.
- گریفتس، مارتین. (۱۳۹۳). *نظریه روابط بین الملل برای سده بیست و یکم*. ترجمه: علیرضا طیب، تهران، نشر نی.
- مدرس، محمدرولی؛ خلیلی، رضا؛ عطانزاد، حبیب. (۱۳۹۶). *نقش مجتمع‌های نظامی-صنعتی در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا*. فصلنامه پژوهش‌های روابط بین الملل، ۱(۲۴)، ۲۱۴-۱۸۵.
- مرشایمر، جان. (۱۳۸۸). *تراژدی سیاست و قدرت‌های بزرگ*. ترجمه غلامعلی چگنی زاده، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

- مشرق نیوز. (۱۴۰۱/۰۸/۲۵). جنگ روسیه و اوکراین، قابل دسترسی در:  
<https://www.mashreghnews.ir/page/archive>
- معصومی، جواد. (۱۴۰۱/۱۰/۱۰). وابستگی حکمرانی؛ آینده ناروشن اروپا، قابل دسترسی در:  
<https://www.mehrnews.com/news/۵۶۶۹۱۰۴>
- نقدی نژاد، حسن؛ سوری، امیر محمد. (۱۳۸۷). رقابت روسیه و آمریکا در اوراسیا. فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، (۶۲)، ۱۷۱-۱۵۵.
- نوری چورتی، مهدی. (۱۴۰۲). تاثیر تحریم‌های غرب بر روسیه در دوران جنگ با اوکراین (بخش اول). موسسه مطالعات ایران و اوراسیا، آخرین تاریخ به روز رسانی ۱۴۰۲/۸/۱۴:  
<https://www.iras.ir>
- نوری چورتی، مهدی. (۱۴۰۲). تاثیر تحریم‌های غرب بر روسیه در دوران جنگ با اوکراین (بخش دوم). موسسه مطالعات ایران و اوراسیا، آخرین تاریخ به روز رسانی ۱۴۰۲/۸/۱۵:  
<https://www.iras.ir>
- نونزاد، محمد؛ کریمی، مرتضی. (۱۳۹۷). تقابل روسیه و آمریکا در اوکراین و تأثیر آن بر منافع ملی ایران. فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، ۱۱(۴۱)، ۱۷۵-۱۴۵
- یزدان پناه، محمد. (۱۳۹۲). اقتصاد، توانمندی نظامی به بهای ناتوانی اقتصادی، فیلو جامعه شناسی. بازیابی شده در:  
<http://www.philosociology.ir/daily-articles/2868-1392-09-21-15-17-25html>
- یورونیوز. (۲۰۲۲). چرا اوکراین برای اتحادیه اروپا مهم است. قابل دسترسی در:  
<https://www.parsi.prod.euronews.com/۲۴/۰۱/۲۰۲۲/why-does-ukraine-matter-eu>
- Bayer, L. (2022). NATO will increase high-readiness force to 'well over' 300,000 troops. June 27, 2022 at: <https://www.politico.eu/article/nato-increase-high-readiness-force-300000>
- Brzezinski, Z. (1994). The Premature Partnership. *Foreign Affairs* 73, no. 2 (March/April 1994), p. 80.
- Bill, James A. (2001). The Politics of Hegemony: The United States and Iran. *Middle East Policy*, Vol. VIII, No. 3. September.
- Blum, W. (2014). The Myth of Soviet Expansionism. *Foreign Policy Journal*
- Bochholz, K. (2022). *Where Military Aid to Ukraine Comes From*. nov 10, at: <https://www.statista.com/chart/27278/military-aid-to-ukraine-by-country>
- Borger, J. (2022). Pentagon chief's Russia remarks show shift in US's declared aims in Ukraine. at: <https://www.theguardian.com/world/2022/apr/25/russia-weakend-lloyd-austin-ukraine>
- CBS NEWS. (2022). French President Emmanuel Macron, seeking re-sync of U.S.-French relations, says trade concerns are "fixable" at: <https://www.cbsnews.com/news/france-president-emmanuel-macron-us-relations-60-minutes-2022-12-04>
- Cooper, H., Gibbons, T., Schmitt, E., Barnes, J. (2023). *Troop Deaths and Injuries in Ukraine War Near 500,000*. At: <https://www.nytimes.com/2023/08/18/us/politics/ukraine-russia-war-casualties.html>

- Hartung, D. William. (2022). How Pentagon Contractors Are Cashing in on the Ukraine Crisis. at: <https://quincyinst.org/2022/04/17/how-pentagon-contractors-are-cashing-in-on-the-ukraine-crisis/>
- Huntington, S. (1999). The Lonely Superpower. *Foreign Affairs*. No78
- Gabbard, Tulsi (2022), Why 'Military-Industrial Complex' Wants Russia To Invade Ukraine, at: [https://larouchepub.com/pr/2022/2/13\\_gabbard\\_explains.html](https://larouchepub.com/pr/2022/2/13_gabbard_explains.html).
- Global times. (2022). US moves to 'weaken' Russia by robbing its top scientists, will it work?" at: <https://www.globaltimes.cn/page/202204/1260676.shtml>
- Gordon, Oliver. (2022). What the Ukraine conflict means for Europe's energy crisis, at: <https://www.energymonitor.ai/policy/a-ukraine-could-inflame-europes-energy-crisis/>
- Kumar Shahi, Dharmendra. (2022). War in Ukraine: A Geopolitical Analysis. *International Journal of Research in Social Science* Vol. 12 Issue 06.
- Mearsheimer, John J. (2014). Why the Ukraine Crisis Is the West's Fault, The Liberal Delusions That Provoked Putin. *Foreign Affairs*, Vol.93, No. 5.
- Rubel, M., Sazzad, H. (2022). analyze the causes of the Russian- Ukraine war with walt's three images(individual, domestic politics, international system). *Journal of Social Science*, Vol. 03, No. 05, September
- Mishra, A. (2022). Even as the overall US stock market is going down, shares of these companies have been rising since the war started in February. 18 september 2022 at: <https://sundayguardianlive.com>.
- Mills, Ch. W. (1954). *The Power Elite*. New York: William Morrow.
- Snyder, R. (1999). The U.S and Third World Revolutionary State: Understanding the Breakdown in Relationship. *International Study Quarterly*, N.43,
- Walt, S. (2022). An International Relations Theory Guide to the War in Ukraine, *foreignpolicy*, at: <https://foreignpolicy.com/2022/03/08/an-international-relations-theory-guide-to-ukraines-war/>
- Welt, c. (2021). Ukraine: Background, Conflict with Russia, and U.S. *Policy, Congressional Research Service*.
- Woehrel. S. (2014). Ukraine: Current Issues and U.S. Policy. *Congressional Research Service*.pp.1-19